

تحرك اجتماعى و ساخت طبقاتى

(مطالعه موردى شهر همدان)

صمد كلانترى، محمدسلمان قائمى زاده

موقعيت‌هاى اجتماعى و شغلى چه گونه در اختيار افراد قرار مى‌گيرد؟ آيا همه افراد جامعه فرصت‌هاى يكسانى براى دستيابى به موقعيت‌هاى بالا و پايين دارند؟ دو رويكرد غالب در مطالعات مربوط به نابرابرى‌هاى اجتماعى و تحرك اجتماعى، يكى وجه توزيعى نابرابرى و ديگرى وجه رابطه‌اى نابرابرى خوانده مى‌شود. در وجه توزيعى تحرك اجتماعى شغلى و در وجه رابطه‌اى تحرك طبقاتى مورد مطالعه قرار گرفته است.

جامعه آمارى تحقيق حاضر كليده رۇساي خانوارهاى (شاغل و بيكار جويابى كار) ساكن در محدوده شهر همدان در سال ۱۳۸۱ مى‌باشند. روش تحقيق پيمائيشى است. اطلاعات مورد نياز از طريق پرسشنامه و با مراجعه به نمونه‌هاى انتخاب شده تکميل گرديده است. نتايج تحقيق حاضر نشان مى‌دهد، تحرك شغلى عموميت دارد؛ اما تحرك طبقاتى محدود است، و طبقات به سوي ساخت يافتگى پيش مى‌روند.

كليده واژگان: نابرابرى اجتماعى، طبقه اجتماعى، پايگاه اجتماعى، تحرك اجتماعى

مقدمه

مطالعه درباره تحرك اجتماعى به دلایل اجتماعى، سياسى و اقتصادى و نيز گسترده بودن دامنه آن در زندگى روزمره اكثريت جامعه، از ابتدای شكل گيرى جامعه‌شناسى، به عنوان دانشى تجربى، به ويژه از نيمه دوم قرن بيستم مطرح بوده است. در طبقه‌بندى مباحث جامعه‌شناسى پويابى و ايستايى اجتماعى و تحرك اجتماعى، نوعى از دگرگونى‌هاى اجتماعى و بخشى از آن

به حساب مى‌آیند. هدف تحقيق حاضر نیز تلاش برای پاسخگویی به این سؤال است که دگرگونی‌هایی که در چند دهه اخیر در ایران صورت گرفته چه تأثیری بر ساختار قشریندی جامعه شهری داشته است؟^۱

در دو دهه گذشته تغییرات اقتصادی و اجتماعی زیادی در جامعه ایران ایجاد شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: در سال‌های دهه اول بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، تأکید بر عدل و قسط اسلامی و اجرای سیاست‌های مساوات‌گرایانه، از قبیل دولتی کردن صنایع و سیستم بانکی کشور، مصادره‌ها و ضبط اموال طبقات ثروتمند، وضع مالیات‌های تصاعدی و مالیات بر درآمد و ثروت، پرداخت سوبسیدهای مصرفی، سیاست‌های تأمین مسکن و برنامه‌های مشوق افزایش جمعیت، سیاست گسترش نظام آموزش عالی و غیره شدیداً مطرح بودند. در دهه دوم سیاست‌های نوسازی و بازسازی بعد از جنگ و سیاست کاهش تصدی‌گری دولت و سیاست واگذاری مجدد برخی صنایع و خدمات دولتی به بخش خصوصی و قانون و مقررات سرمایه‌گذاری که تحت عنوان «سیاست‌های تعدیل اقتصادی» بود جایگزین سیاست‌های دهه اول گردید.

چنین سیاست‌هایی بر فرایند افزایش تعداد کارکنان بخش خدمات، رشد صنعت، افزایش مهاجرت به شهرها، افزایش نسبت کارکنان مستقل و کارفرمایان، کاهش حقوق‌بگیران بخش خصوصی، افزایش تعداد کارکنان مشاغل علمی، فنی و تخصصی، افزایش فعالیت بخش ساختمان و... تأثیر داشته است.

با توجه به این مسایل، شناخت منابعی که برای دسترسی به موقعیت‌های اجتماعی ضروری است، اهمیت خاصی پیدا می‌کند. آیا این امتیازها از خانواده فرد به ارث رسیده است؟ یا از طریق تلاش فردی یا استعداد و شایستگی کسب می‌شود؟ آیا سیاست‌های کلان دولت، صنعتی شدن، رشد جمعیت شهرنشین و... فرصت‌هایی را برای افراد پیش آورده است یا خیر؟ وضعیت تحرك اجتماعی صعودی، نزولی، افقی چگونه بوده است؟ از طرفی گسترش آموزش ابتدایی تا عالی در ایران آیا منجر به کاهش نابرابری‌های اجتماعی شده است یا تأثیری در کاهش نابرابری‌های اجتماعی نداشته است؟

۱. این مقاله حاصل پژوهشی است تحت عنوان «مطالعه تحرك اجتماعى در شهر همدان» که در قالب یک رساله دکتراى جامعه‌شناسی در سال ۱۳۸۲ در دانشگاه اصفهان ارائه شد.

رویکرد نظری

دو رویکرد غالب در مطالعات مربوط به نابرابری‌های اجتماعی و تحرک اجتماعی یکی وجه توزیعی نابرابری و دیگری وجه رابطه‌ای نابرابری خوانده می‌شود. در وجه توزیعی جامعه به صورت سلسله‌مراتبی و متشکل از لایه‌ها یا قشرها نگریسته می‌شود، از این دیدگاه افراد در پیوستاری متشکل از مقوله‌های مجزا جای می‌گیرند. معیارهای متفاوتی برای قشربندی وجود دارد ولی در اکثر موارد پژوهشگران معرفی عینی از رتبه اقتصادی را همچون درآمد، میزان تحصیلات و منزلت شغلی استفاده می‌کنند. در این دیدگاه شغل مهم‌ترین معرف رتبه کلی قشربندی است. این ادعا تا اندازه‌ای بر این اساس است که شغل با متغیرهایی همچون درآمد و میزان تحصیلات که اساس رتبه‌بندی‌های دیگر را تشکیل می‌دهد همبستگی دارد. برای سنجش وجه توزیعی نابرابری از مقیاس پایگاه اجتماعی مشاغل استفاده شده است. در وجه رابطه‌ای، تحلیل‌گران به پیامدهای رابطه‌ای نابرابری توجه دارند که شامل استثمار و تسلط یک گروه به دست گروه دیگر و تأثیر این روابط بر ساختار اجتماعی یا تغییرات اجتماعی است. در این دیدگاه روابط کنترل و فرمانبرداری در کنش متقابل میان افراد و گروه‌ها منجر به پیدایش نابرابری می‌شود. در این باره مفهوم قدرت مطرح می‌شود، قدرت هنگامی نمایان می‌شود که عده‌ای به دلخواه قادر به کنترل شرایط اجتماعی باشند، بدون این‌که اهمیتی برای نظرات موافق و مخالف قایل شوند، زیرا چنین کنترلی به‌طور معمول تأثیری مستقیم بر ایجاد و تقویت حقوق، فرصت‌ها و امتیازات نابرابر میان مردم دارد (گروپ، ۱۳۷۳: ۱۴ و ۱۳۲).

در رویکرد توزیعی، تحرک شغلی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. جامعه‌شناسان امریکایی بیشتر از این جنبه به مطالعه تحرک پرداخته‌اند. در رویکرد رابطه‌ای، تحرک طبقاتی مطمح نظر است و جامعه‌شناسان اروپایی به بررسی رابطه تحرک و طبقه اجتماعی علاقه نشان داده‌اند. در امریکا پیش‌تاز تحقیق در مورد تحرک اجتماعی سوروکین است. کار وی نخستین گزارش منظم و جامع از تحرک اجتماعی است. او بحث خود را با نشان دادن این‌که نظام‌های قشربندی در دوره‌های مختلف تاریخی بر حسب یک جریان ادواری دگرگون شده‌اند آغاز می‌کند، مثلاً میزان ثروت و درآمد متوسط در یک جامعه از دوره‌ای به دوره دیگر تغییر می‌کند. تکه‌تکه شدن مالکیت یا تمرکز آن به‌طور متناوب انجام می‌شود. در هر نظام اجتماعی حتی در غیرقابل انعطاف‌ترین آن‌ها، همیشه امکاناتی برای پیشرفت در زمینه اقتصادی، سیاسی و یا شغلی وجود دارد و برعکس در هیچ نظام اجتماعی حتی در بازترین آن‌ها، تحرک بدون هیچ‌گونه موانعی وجود ندارد (سوروکین، ۱۹۵۹). مطالعات بعدی که توسط لیپست و بندیکس سرپرستی شد بر این اصول

استوار بود که میزان نسبتاً بالای تحرك اجتماعى برای ثبات و انسجام اجتماعى جوامع صنعتى جدید امرى اساسى است، چنانکه بدون عمل کردن چنین دریچه اطمینانى که ممکن است پیوسته منحصر به طبقات پایین شود امکان دارد به یک تعارض انقلابى بالقوه به سوى تواناییها و استعدادهاى بالاتر جامعه بینجامد (لیبست و بندیکس، ۱۹۵۹). بلاو و دانکن، بیشتر به کارآیى مولد و کارکردى جوامع صنعتى علاقه داشتند و به این نتیجه رسیدند که با استعدادترین افراد، بدون در نظر گرفتن خواستگاه طبقاتى شان، به مهم ترین موقعیت های شغلى دسترسى دارند. بنابراین بلاو و دانکن به خصوص به نقش آموزش و پرورش در تسهیل تحرك اجتماعى علاقه نشان دادند. کار ایشان در زمان انجام دادن آن ۱۹۶۷ در مقایسه با کارهای قبلى جامع تر و از نظر تکنیکى پیچیده تر و به لحاظ مفهومی گسترش یافته تر بود. آن ها با جمع آوری اطلاعات از یک نمونه ۲۰۷۰۰ نفرى که معرف ۴۵ میلیون مرد ۲۰ تا ۶۴ ساله شهرى بود تحقیق خویش را انجام دادند. ایشان رابطه بین تحرك و مهاجرت، قومیت، خویشاوندی و الگوهای باروری را مورد توجه قرار دادند. مخصوصاً آن ها تلاش داشتند نحوه تأثیر عوامل مربوط به زمینه خانوادگی، مثلاً تحصیلات و شغل والدین را در موقعیت فرزندان نشان دهند. به اعتقاد آن ها موقعیت خانوادگی از طریق میزان تحصیلاتی که فرد کسب می کند و همچنین از طریق شغل نخست فرد موقعیت فعلی وی را می سازد. این کار مستلزم استفاده از تکنیک تحلیل مسیر بود که خود از تکنیک های رگرسیون چندمتغیری است (پین، ۱۹۸۷ به نقل از خداپسند، ۱۳۷۲: ۵۹).

نخستین پژوهش عمده درباره تحرك اجتماعى در بریتانیا توسط دیوید گلاس و همکارانش در دهه ۱۹۵۰ انجام گرفت. در آن زمان این اعتقاد عمومی وجود داشت که انگلستان جامعه ای نسبتاً باز و شایسته سالار است، اما یافته های گلاس به نتایج دیگری رسید، او نتیجه گرفت که در واقع یک تحرك درون نسلی بسیار سطح پایین بلند دامنه وجود دارد (یعنی از ساختار طبقاتی رو به بالا یا برعکس)، اما تحرك کوتاه دامنه (یعنی از مشاغل نیازمند مهارت کمتر به مشاغل مستلزم مهارت بیشتر) عمومیت بیشتری دارد. به طور کلی، گلاس سد نسبتاً استواری در برابر تحرك بین مشاغل یدى و غیریدی تشخیص می دهد - حتی کارکنان یقه سفید فرودست بخت بیشتری برای ارتقا به سطح بالای مشاغل را تا ماهرترین کارگران یقه آبی دارند. به علاوه، گلاس وجود تحرك رو به پایین بین نسلی را نیز بسیار کمیاب یافت. این یافته ها تا زمان آغاز انتشار نخستین نتایج طرح نافیلد بی رقیب و بی معارض ماند که تصویر متفاوتی از طبقه و چشم اندازهای تحرك در بریتانیا به وجود آورد. این طرح به این نتیجه می رسد که باید بین تحرك مطلق و نسبی تمایز قایل شد. تحرك مطلق فقط به معنای آن است که تعداد کل مردم تحركی رو

به بالا (یا کمتر رو به پایین) داشته‌اند؟ از سوی دیگر، تحرک نسبی به احتمال تحرک مردم با خاستگاه‌های متفاوت از لحاظ ساختار طبقاتی توجه می‌کند. گلد تورپ استدلال می‌کند که تحرک نسبی بهترین معیار برای اندازه‌گیری درجه گشادگی و وجود فرصت‌های برابر در جامعه است. و به استدلال خود چنین ادامه می‌دهد که مقادیر بالای تحرک مطلق می‌تواند با سطوح پایین تحرک نسبی همزیستی داشته باشد و دارد. این به معنای آن است که گرچه مردان بسیاری با خاستگاه‌های طبقه پایین در تحرک با رفتن از سلسله‌مراتب طبقاتی موفق بوده‌اند، اما چشم‌انداز نسبی آن‌ها در این عمل بسیار کمتر از چشم‌انداز و امید مردان سطوح متوسط، یا از احتمال امید نسبی کسانی که در موقعیت‌های بالاتر متولد شده‌اند، بوده است. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که علت بالا بودن تحرک مطلق گسترش سریع مشاغل یقه سفید در بعد از جنگ بوده است. به عقیده ایشان، این تغییر در ساختار شغلی که گاه به انتقال شغلی تعبیر شده نمی‌تواند به معنای وجود جامعه‌ای باز و مساوات طلب بوده باشد. سطح پایین تولد کودکان در میان سطوح شغلی نیز بیشتر به این عامل تقاضاهای تغییر شغل تعبیر شده است، یعنی در طبقات بالا به اندازه کافی بچه متولد نشده است تا این خلأ شغلی بتواند پر شود، همه این‌ها تحرک بلندمدتی را که گلاس و دیگران ممکن می‌پنداشتند در سطوح بالا امکان‌پذیر می‌سازد. از جمله سایر نتیجه‌گیری‌های بررسی نافیلد این یافته بود که ویژگی سه طبقه از هفت طبقه سطح بالای ثبات بین نسلی یا خودگماری^۱ است. این‌ها در بالا و پایین ساختار طبقاتی قرار داشت: طبقه اجتماعی اول (طبقه خدماتی) سطح خودگماری اش ۴۵ درصد بود، حال آن‌که این سطح در مورد طبقات ششم و هفتم (طبقات کارگر) به ترتیب ۳۰ و ۳۵ درصد بود. بر این اساس پیش‌بینی شد که امکانات همبستگی طبقاتی، یا آنچه ساخت‌بندی طبقات نامیده شده است، برای این گروه‌ها بسیار بیشتر از گروه‌هایی بود که بین خودشان گروه‌های انتقالی یا سیال بودند. بالأخره بررسی نافیلد پیوندی میان تحرک اجتماعی رو به بالا و تجربه آموزشی تشخیص داد. این درست برابر با پیش‌بینی بلاو و دانکن در دهه ۱۹۶۰ بود. کسانی که تحصیلات رسمی سطح بالایی داشتند احتمال تحرکشان در سلسله مراتب طبقاتی، صرف‌نظر از خاستگاه طبقاتی‌شان بسیار بیشتر بود. با این حال، این یافته نیز به دست آمد که کسانی که دارای منشأ طبقاتی بالاتری بودند (طبقات اول و دوم) احتمال بهره‌گیری بیشتری از این امتیاز را داشتند، و این به علت منابع آموزشی برتری بود که خاستگاه طبقاتی‌شان در اختیار آن‌ها قرار می‌داد. چنان‌که پیشتر گفته شد، بررسی نافیلد در مورد تجربیات تحرک طبقاتی زنان نقص داشت. یکی از کوشش‌هایی که برای جبران این کمبود

1. Self-recruitment

انجام گرفت، تحليل هيئت از داده‌هاى تهيه شده توسط حكومت در بررسى كلى خانوار بود (هيئت، ۱۹۸۱). او از اين تحليل نتيجه گرفت كه زنان بيشتر در طبقه سوم يا كاركنان يقه سفيد متمرکز شده‌اند و نسبت به مردان تحرك اجتماعى رو به پايين كمترى دارند، با اين وجود، زنان ازدواج نكرده نسبت به مردان ازدواج نكرده احتمال تحرك رو به بالاى بيشترى دارند، و اين همچنين القا مى‌كند كه، لافل در مورد زنان، ازدواج لزوماً به موفقيت شغلى نمى‌انجامد (مور، ۱۳۷۶: ۱۱۲).

تحقيقات پراكنده‌اى در زمينه تحرك اجتماعى در طول چند دهه اخير در ايران صورت گرفته كه به برخى از آنها اشاره مى‌شود. برزين مى‌نويسد: ساختار طبقاتى ايران انعطاف پذير است، حركت از يك طبقه به طبقه ديگر ممكن. اين مسئله به لحاظ هم صعود و هم سقوط طبقاتى صادق است. ضعف مالكيّت خصوصى و قدرت دولت در ضبط و مصادره اموال و پخش مجدد آن - كه طى صد سال گذشته چند بار در سطح وسيع انجام گرفته است - از علل تحولات طبقاتى است (۱۳۷۲: ۱۵). بيل، ساختار طبقاتى در خاورميانه و از جمله ايران را چنين توصيف مى‌كند: «در خاورميانه، نفوذ سياسى، مهارت شخصى، تبار دينى و مقدس و آموزش‌هاى سنتى در تأثيرگذارى بر ساختار اجتماعى جايگزين ثروت مى‌شوند» (۱۳۷۳: ۱۰۱). مهدوى كه در زمينه تحرك اجتماعى در دوره قاجار مطالعاتى داشته است مى‌نويسد: «سه مجراى عمده جابه‌جايى طبقاتى عبارت بود از: دستيابى به مقام مهم دولتى، مالكيّت زمين و ازدواج يا دختران طبقات ممتاز براى كسب اعتبار اجتماعى» (۱۳۷۳: ۷۰).

از ديده‌گاه اشرف: «بين اوائل دهه ۱۳۰۰ و اواخر دهه ۱۳۵۰، ايران تغييرات مهمى را در بعد و مرز افشار اجتماعى همراه با تحرك اجتماعى و فردى قابل توجه در سراسر هرم طبقاتى تجربه نمود: الف) جابه‌جايى بزرگى از كشاورزى به صنعت صورت گرفته است كه گسترش نظام آموزشى اين تحول را همراهى كرد. ب) مهاجرت از روستا به شهر پايه ديگرى براى تحرك بود. ج) گسترش سريع ديوان‌سالارى كشورى و لشگرى» (۱۳۷۴: ۱۲۳).

پژوهش كاظمى پور در تهران نشان مى‌دهد: «عوامل عمده تحرك اجتماعى عبارتند از: منشأ جغرافيايى (شهر يا روستا) سواد و تحصيلات، منزلت شغلى، سن ازدواج، پايگاه طبقاتى فرد و پدرش» (۱۳۷۸: ۱۳۹-۱۷۲). مقدس درباره تحرك اجتماعى در شهر شيراز و ياسوج بيان مى‌كند: «تحرك درون‌نسلى در شيراز و ياسوج عموميت ندارد. اغلب مردم وقتى وارد شغلى مى‌شوند تا پايان در آن باقى مى‌مانند، در شيراز بيش از ۲۹/۴ درصد افراد تحرك درون‌نسلى نداشته‌اند و در ياسوج از اين هم كمتر است، يعنى از رقم ۲۳/۴ درصد تجاوز نمى‌كند» (۱۳۷۴، ۲۰۹).

تحقیقی در سال ۱۹۷۸ توسط کانو در همدان صورت گرفته است که منحصرأ مشاغل بازار همدان را مورد بررسی قرار داد و بدین نتیجه رسید که نسل قدیمی تر ساکن بازار بیشتر به کشاورزی می‌پرداختند. در حالی که فرزندان آن‌ها به صاحبان حرف و کسبه تبدیل شده‌اند و بالأخره تعداد فروشندگان در زمان تحقیق از دیگر مشاغل بیشتر بوده است. این محقق دلایل این تغییرات را نوسازی‌هایی می‌داند که از زمان رضاشاه شروع شد (۱۹۷۸: ۸۰). فرضیه‌های تحقیق حاضر از مطالعات مذکور استنتاج گردیده است.

روش تحقیق

روش مورد استفاده در این تحقیق پیمایشی و جامعه آماری تحقیق حاضر، کلیه رؤسای خانوارهای (شاغل و بیکار و جویای کار) ساکن در محدوده شهر همدان در سال ۱۳۸۱ می‌باشد. حجم نمونه براساس فرمول تعدیل شده کوکران و با توجه به جمعیت محلات ۵۰ گانه شهر همدان ۳۸۴ نفر تعیین شد و اطلاعات مورد نیاز از طریق تکمیل پرسشنامه و مصاحبه حضوری جمع‌آوری و پردازش شد.

برای تحلیل داده‌ها از سه شیوه متداول در تحلیل تحرک اجتماعی یعنی، تحلیل جداول تحرک اجتماعی، تحلیل براساس نسبت‌های تحرک اجتماعی که چون براساس فراوانی‌های مشاهده شده و فراوانی‌های مورد انتظار به دست می‌آید شبیه آزمون درست‌نمایی مجذور خی دو است و محاسبه ضرایب همبستگی استفاده شده است (مقدس، ۱۳۷۴؛ کناظمی‌پور، ۱۳۷۸؛ و تبریزی، ۱۳۶۰؛ تاملین، ۱۹۸۷؛ برین، ۱۹۹۶).

فرضیه‌های تحقیق

۱. تحصیلات و شغل پدر تأثیر مهمی بر افزایش تحرک صعودی فرد دارد اما تحصیلات خود شخص برای تحرک صعودی فرصت‌های بیشتری را فراهم می‌سازد، با وجود این سطح تحصیلات شخص به میزان بالایی به تحصیلات و سطح شغلی پدر بستگی دارد.
۲. افرادی که تحصیلات کافی ندارند و در سنین پایین ازدواج می‌کنند و صاحب فرزند می‌شوند احتمال بیشتری وجود دارد که تحرک نزولی بکنند. هنگامی که کمبود کار یا بحران اقتصادی وجود دارد، بسیاری از افراد تحرک نزولی خواهند کرد. حجم خانواده عامل دیگری است که با تحرک نزولی ارتباط دارد، کسانی که در خانواده‌های پرجمعیت متولد می‌شوند احتمال تحرک نزولی‌شان بیش از کسانی است که در خانواده‌های کم جمعیت به دنیا می‌آیند.

۳. فردى كه در طبقه اجتماعى پايينى قرار دارد بخت بسيار كمى براى انتقال به طبقه اجتماعى بالاتر دارد.
۴. اكثر افراد در بيشتر جوامع، در همان طبقه اجتماعى كه در آن زاده شده‌اند باقى مى‌مانند. تعداد معدودى از آن‌ها به طبقه اجتماعى بالاتر صعود و تعداد نسبتاً كمى نيز به طبقه پايين‌تر نزول مى‌كنند.
۵. اكثر افرادى كه تحرك عمودى مى‌كنند، به آن قشر اجتماعى انتقال مى‌يابند كه يكي دو پله با قشر اجتماعى قبلى‌شان فاصله دارد.
۶. پايگاه اجتماعى فرد تحت تأثير تحصيلات خودش و تحصيلات و شغل پدرش مى‌باشد همچنين، تحصيلات فرد نيز تحت تأثير سطح تحصيلات و سطح شغلى پدر فرد باشد. از بحث بالا فرضيه‌هاى جزئى‌تر زير را مى‌توان استخراج نمود:
- الف: پايگاه اولين شغل فرزند با پايگاه شغل پدر او همبستگى دارد.
- ب: پايگاه شغل اصلى و فعلى فرزند با پايگاه شغل پدر او همبستگى دارد.
- ج: پايگاه شغل اصلى و فعلى فرد با پايگاه شغل فرد در زمان ورود به بازار كار همبستگى دارد.
- د: پايگاه شغلى فرد با ميزان تحصيل فرد همبستگى دارد.
- ه: پايگاه شغلى فرزند با ميزان تحصيل پدر او همبستگى دارد.
- ز: ميزان تحصيل فرد با ميزان تحصيل پدر او همبستگى دارد.
۷. جامعه‌شناسان دريافته‌اند كه جوامع روستايى و كشاورزى، عمدتاً از نوع جوامع بسته‌اند. معمولاً افرادى كه در جوامع روستايى زندگى مى‌كنند در سراسر زندگى‌شان يك پايگاه اجتماعى ثابت دارند در اين‌گونه جوامع پيشينه خانوادگى فرد مهم‌ترين عامل در تعيين پايگاه اجتماعى افراد به‌شمار مى‌رود از طرف ديگر افرادى كه در مناطق شهرى و صنعتى زندگى مى‌كنند از امكانات جامعه باز برخوردارند و ميدان عمل وسيع‌ترى براى كسب موفقيت و ارتقاء به پايگاه بالاترى دارند. بنا بر اين افراد كه از نقاط روستايى به نقاط شهرى مهاجرت مى‌كنند امكان تحرك اجتماعى آنان افزايش مى‌يابد.

یافته‌های تحقیق

نتایج توصیفی

جدول شماره ۱. انواع تحرک بین نسلی در شهر همدان

جمع	نزولی	بدون تحرک	افقی	صعودی	انواع تحرک	
					نسلی	بین نسلی
۳۶۵	۷	۹۸	۱۱۹	۶۹	فراوانی	
۱۰۰	۲۱/۶	۲۶/۸	۳۲/۶	۱۸/۹	درصد فراوانی	

جدول شماره (۱) رؤسای خانوارهای مورد مطالعه را بر حسب انواع تحرک نشان می‌دهد. چنان‌که ملاحظه می‌شود، در حدود ۵۲ درصد افراد در همدان دارای نوعی تحرک شغلی بوده‌اند، اما اگر برد این تحرک را در نظر بگیریم، تحرک دامنه گسترده‌ای ندارد چون غالب این تحرک‌ها افقی است (۳۲/۶ درصد). تحرک صعودی فقط در حدود ۱۹ درصد می‌باشد. در تحرک صعودی میزان تحصیلات تأثیری تعیین‌کننده دارد. تحرک افقی در حدود ۳۲/۶ درصد می‌باشد، بالا بودن میزان تحرک افقی به جابه‌جایی‌های با منزلت نزدیک به هم اطلاق می‌شود، مثلاً افرادی که با منشأ کشاورزی وارد گروه‌های شغلی فروشنده‌گی یا کارگران تولیدی شده‌اند مشمول تحرک افقی هستند. نزدیک ۴۰ درصد نسل گذشته (پدران) در بخش کشاورزی بوده‌اند، که این درصد در نسل کنونی (فرزندان) به ۳ درصد کاهش یافته است. بنابراین روشن است وقتی این شاغلان از بخش کشاورزی که منزلت شغلی پایینی دارد، به مشاغل فروشنده‌گی یا کارگران تولیدی که از منزلت بالاتری برخوردار است روی آورند، مشمول تحرک افقی شده‌اند. از رؤسای خانوارهای مورد مطالعه در حدود ۲۷ درصد فاقد تحرک شغلی بوده‌اند، این افراد به ترتیب از گروه‌های شغلی فروشنده‌گی، کارگران ساده، کارگران تولیدی بوده‌اند. به عبارت دیگر، توارث شغلی در این گروه‌ها بالا است. تحرک نزولی در حدود ۲۲ درصد می‌باشد. چنان‌که قبلاً توضیح داده شد، تحرک نزولی برای گروه‌های شغلی که بالا و وسط جدول تحرک قرار دارند وجود دارد، نظام بازار در هر جامعه‌ای گسترش یابد، تحرک اجتماعی امری طبیعی است و بالاخره در این نظام، گروهی دچار تحرک نزولی می‌شوند.

جدول شماره ۲. وضعیت طبقات و اقسام در شهر همدان

طبقات	سرمایه‌دار	مالکان	مدیران	کسبه	کارمند	کارگر	کشاورز	جمع
درصد فراوانی	۱/۹	۰/۳	۲/۷	۴۰/۳	۲۳/۶	۲۸/۲	۳/۰	۱۰۰

چنان‌که در جدول شماره (۲) ملاحظه می‌شود، به دلیل گستردگی فعالیت‌های خدماتی کاسبان ۳/۴۰ درصد بیشترین طبقه را تشکیل می‌دهند و طبقه مالکان و کشاورزان به ترتیب با ۳/۰ و ۳ درصد کمترین اعضای طبقات را در خود جای داده‌اند. کارگران و کارمندان دو طبقه عمده بعدی هستند (۲/۲۸ درصد و ۶/۲۳ درصد). درباره طبقه سرمایه‌دار و مالکان لازم به یادآوری است که به دلیل بالا بودن جمعیت روستایی در استان، در گذشته مناطق شهری ارباب‌نشین بوده‌اند، مالکیت زمین و تبدیل آن به سرمایه خدماتی و بعضاً صنعتی بعد از اصلاحات ارضی دهه ۴۰ و اخیراً گسترش فعالیت‌های ساخت و ساز قلمرو فعالیت سرمایه‌داران را نشان می‌دهد. طبقه سرمایه‌داران در نقاط شهری شهرستان همدان طبق سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵، ۳۶۵۸ نفر سرشماری شده است، که ۴/۳۵ درصد کل روسای خانوارها می‌باشند، که از این مقدار تعداد ۴۰۴ نفر یعنی ۴/۰ درصد در بخش کشاورزی به فعالیت‌های کشاورزی، شکار، جنگل‌داری و ماهیگیری مشغول بوده‌اند. این گروه را می‌توان سرمایه‌داران ارضی یا مالکان نامید. تعداد ۱۷۳۷ نفر یعنی ۲ درصد در بخش‌های استخراج معدن، صنعت، تأمین برق، گاز، آب و ساختمان بوده‌اند که این گروه را سرمایه‌داران صنعتی می‌نامیم. تعداد ۱۴۶۸ نفر یعنی ۴/۱ درصد در بخش‌های عمده‌فروشی، هتل و رستوران، حمل و نقل و انبارداری، واسطه‌گری مالی، مستغلات، اجاره، امور عمومی، بهداشت و مددکاری اجتماعی و... مشغول بوده‌اند. این گروه سرمایه‌داران خدماتی نامیده می‌شوند (سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۷۵: جدول ۲۰). نتایج تحقیق نشان می‌دهد که طبقه‌های سرمایه‌دار، مالکان، کارگران و کشاورزان بیشترین وراثت طبقاتی را دارا می‌باشند، تحرک طبقاتی بالا در بین چند طبقه بالا در بین سرمایه‌داران و مالکان صورت می‌گیرد و طبقات دیگر به میزان کمتری در ساختن این طبقه مشارکت دارند. عناصر تشکیل‌دهنده طبقه سرمایه‌دار به ترتیب عبارتند از: مالکان، صاحبان حرف و کسبه، سرمایه‌داران، کارگران صنعتی (۹/۴۲، ۶/۲۸، ۳/۱۴، ۳/۱۴ درصد). بنابراین در ساختن طبقه سرمایه‌دار حرفه‌مندان، مالکان و کسبه بیشترین نقش را دارند و مدیران نقشی در آن ندارند.

طبقه متوسط شامل مدیران، کاسبان و کارمندان می‌باشند. در حدود ۵۴ درصد از سرپرستان خانوارها خود را در طبقه متوسط قرار داده‌اند (ملاک ذهنی). این درصد نشان می‌دهد چه تعداد از ساکنان نقاط شهری دوست دارند در طبقه متوسط قرار گیرند. اما طبقه مدیران، کاسبان و کارمندان براساس نتایج تحقیق حاضر روی هم ۶/۶۶ درصد می‌باشند (ملاک عینی). به نظر می‌رسد رقم مذکور با واقعیت تطبیق نکند و طبقه متوسط کمتر از این باشد. بنابراین

فقط حرفه‌ای‌های طبقه کارمند را می‌توان جز طبقه متوسط به حساب آورد، لذا اعضای طبقه متوسط بر اساس داده‌های عینی برابر با ۴۷/۱ درصد برآورد می‌شود. تحرک درون نسلی در همدان از ۲۲ درصد تجاوز نمی‌کند، پایین بودن تحرک درون نسلی در همدان گویای این مطلب است که تحرک بین نسلی نیز تحت تأثیر تغییرات ساختاری جامعه است، زیرا اگر حقیقتاً تحرک گردشی یا مبادله‌ای به معنی تحرکی که به لحاظ خصلت‌های فردی، شایستگی‌ها، تلاش و کوشش فردی به وجود می‌آید زیاد باشد، باید خود را در تحرک درون نسلی نشان دهد که می‌بینیم چنین نیست. تحرک شغلی عمومیت بیشتری در شهر همدان دارد، اما تحرک طبقاتی از چنان عمومیتی برخوردار نیست. دسترسی به سرمایه و مالکیت مانند تحصیلات نیست که به راحتی در اختیار همگان قرار گیرد. نکته قابل توجه این‌که بین تحصیلات و درآمد رابطه معنی‌داری وجود ندارد، و این مؤید این مطلب است که از طریق تحصیلات کمتر می‌توان به صعود طبقاتی نایل شد (تأثیر تحصیلات بر درآمد ۰/۰۵ می‌باشد).

فرایند تحرک اجتماعی

تحرک شغلی

جدول شماره ۳. تحرک از شغل پدر به آخرین شغل فرزند (درصد برون‌رین)

گروه شغلی پدر	گروه‌های آخرین شغل فرزند								
	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	جمع
۱. حرفه‌ای‌ها	۵۰	۰/۰	۰/۰	۵۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۱۰۰
۲. مدیران	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰
۳. تکنسین‌ها	۹/۱	۰/۰	۴۵/۵	۱۸/۲	۱۸/۲	۰/۰	۹/۱	۰/۰	۱۰۰
۴. کارمندان	۳/۸	۰/۰	۱۱/۵	۲۹/۹	۳/۸	۲۶/۸	۳/۸	۷/۷	۱۰۰
۵. بخش تولیدی	۶/۹	۰/۰	۳/۴	۲۴/۱	۳۷/۹	۲۰/۷	۰/۰	۶/۹	۱۰۰
۶. فروشندگان	۷/۰	۵/۳	۶/۱	۱۷/۵	۶/۱	۵۱/۸	۰/۹	۵/۳	۱۰۰
۷. کشاورزان	۰/۷	۰/۷	۴/۲	۱۳/۳	۱۵/۴	۳۲/۹	۵/۶	۲۷/۳	۱۰۰
۸. کارگران	۰/۰	۲/۴	۲/۴	۱۴/۶	۲۶/۸	۲۴/۴	۰/۰	۲۹/۳	۱۰۰
فراوانی	۱۷	۸	۲۳	۶۲	۵۴	۱۲۹	۱۱	۶۱	۳۶۶
درصد فراوانی	۴/۶	۲/۲	۶/۳	۱۶/۹	۱۴/۸	۳۵/۲	۳/۰	۱۶/۷	۱۰۰

جدول شماره (۳) نشانگر تحرك از شغل پدر به آخرين شغل فرزند است. درصدهاى اين جدول كه بر حسب جمع افقى محاسبه شده است ارائه‌دهنده جريان برون‌ريز نيروى انساني از خاستگاه‌هاى شغلى گوناگون به مقصدهاى شغلى فعلى است. درصد جمع فراوانى هر ستون در پايين جدول بيان‌كننده درصد افرداى است كه در آخرين مقصد شغلى خود وارد شده‌اند. چنان‌كه ملاحظه مى‌شود، كمترين درصد مربوط به مديران عالي‌رتبه و كاركنان بخش كشاورزى است كه به ترتيب ۲/۲ درصد و ۳ درصد مى‌باشد. كه ناشى از تقاضاهاى كمتر به اين‌گونه مشاغل مى‌باشد. در مقابل بيشترين فراوانى متعلق به فروشندگان و كاركنان بخش خدمات و كارمندان ادارى و دفتري است كه به ترتيب ۳۵/۲ درصد و ۱۶/۹ درصد مى‌باشد. درصدهاى روى قطر ماتريس وراثت شغلى را نشان مى‌دهد، در گروه‌هاى شغلى يك، سه و شش كه شامل مشاغل حرفه‌اى، نيمه‌حرفه‌اى و فروشندگان و كاركنان بخش خدمات مى‌شود، از گروه‌هاى شغلى ديگر بيشتر است. حرفه‌اى‌ها از افراد تحصيل‌كرده با مدرک ليسانس به بالا تشكيل شده‌اند كه به دليل داشتن تخصص، جامعه نياز مبرمى به آن‌ها دارد. قسمت عمده شانس دسترسى به مشاغل اين گروه شغلى وابسته به تحصيلات عالي است كه در خانواده حرفه‌اى‌ها از رونق بيشترى برخوردار است. تنها ۴/۶ درصد از شاغلان در اين گروه شغلى قرار دارند. وراثت شغلى در اين گروه شغلى ۵۰ درصد مى‌باشد. دومين مقصد شغلى فرزندان حرفه‌اى‌ها گروه شغلى كارمندان ادارى و دفتري است، ۵۰ درصد وارد اين گروه شغلى شده‌اند. چنان‌كه گذشت، نقش تحصيلات آثار خود را در اين‌جا نيز نشان مى‌دهد. وراثت شغلى در بين نيمه‌حرفه‌اى‌ها ۴۵/۵ درصد مى‌باشد. تكنسين‌ها و مشاغل نيمه‌تخصصى (نيمه حرفه‌اى‌ها) از طرفى وارد گروه شغلى حرفه‌اى‌ها مى‌شوند و از طرف ديگر اگر موفق نشوند در گروه شغلى كارمندان ادارى و بخش توليد وارد مى‌شوند كه در هر دو گروه ۱۸/۲ درصد مى‌باشد. تحرك صعودى براى نيمه‌حرفه‌اى‌ها ۹/۱ درصد و تحرك نزولى ۴۵/۵ درصد مى‌باشد. فرزندان كارمندان ادارى و دفتري نيز داراى ۳۰ درصد وراثت شغلى مى‌باشند اما در عين حال ۱۵ درصد داراى تحرك صعودى مى‌باشد و وارد گروه حرفه‌اى‌ها و نيمه‌حرفه‌اى‌ها شده‌اند. اما به دليل ضعف اقتصادى و ضعف نفوذ سياسى هيچ‌كدام به گروه شغلى مديران وارد نشده‌اند و ۱۱/۵ درصد وارد گروه شغلى نيمه‌حرفه‌اى‌ها و فقط ۳/۸ درصد وارد حرفه‌اى‌ها شده‌اند. از مقايسه گروه‌هاى شغلى پدران و فرزندان اين نتيجه به دست مى‌آيد كه از گروه پدران ۳۱ درصد در گروه شغلى فروشندگان و كاركنان بخش خدمات بوده‌اند و ۳۹ درصد در بخش كشاورزى و كارگران، از طرفى در نسل فرزندان ۳۵/۲ درصد در گروه شغلى فروشندگان و گروه‌هاى شغلى كارمندان و بخش توليد و بخش غيررسمى بالاي ۱۵ درصد شاغل هستند.

بنابراین در ساختار شغلی شهر همدان در نسل پدران دو گروه شغلی فروشندگان و بخش کشاورزی غالب‌اند. اما در نسل فرزندان بخش کشاورزی به ۳ درصد کاهش یافته است و این نشان از تغییر ساختار شغلی در شهر همدان می‌باشد، نکته دیگر نفوذ سیاسی فروشندگان می‌باشد. در نسل پدران شانس مدیر شدن صفر بوده است اما این درصد برای فرزندان به ۲/۲ درصد افزایش یافته است. از گروه شغلی فروشندگان و کارکنان بخش خدمات ۵/۳ درصد وارد گروه شغلی مدیران شده‌اند و از طرفی مهاجرت‌های بالای روستایی در منطقه باعث شده است از گروه شغلی کارگران ساده و بخش کشاورزی به ترتیب ۲/۴ درصد و ۰/۷ درصد وارد گروه مدیران شوند.

نسبت‌های تحرک شغلی

جدول شماره ۴. تحرک از شغل پدر به آخرین شغل فرزند (نسبت‌های تحرک)

گروه شغلی پدر	گروه آخرین شغل فرزند							
	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱. حرفه‌ای‌ها	۱۰/۸	۰/۰	۰/۰	۳/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰
۲. مدیران	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰
۳. تکنسین‌ها	۲	۰/۰	۷/۲	۱/۱	۱/۲	۰/۰	۳	۰/۰
۴. کارمندان	۰/۸	۰/۰	۱/۸	۱/۸	۰/۳	۰/۸	۱/۳	۰/۵
۵. بخش تولیدی	۱/۵	۰/۰	۰/۵	۱/۴	۲/۶	۰/۶	۰/۰	۰/۴
۶. فروشندگان	۱/۵	۲/۴	۱/۰	۱/۰	۰/۴	۱/۳	۰/۳	۰/۳
۷. کشاورزان	۰/۲	۰/۳	۰/۷	۰/۸	۱/۰	۰/۹	۱/۹	۱/۶
۸. کارگران	۰/۰	۱/۱	۰/۴	۰/۹	۱/۸	۰/۷	۰/۰	۱/۸

نسبت‌های تحرک برای اثبات این قضیه است که آیا رابطه بین خاستگاه و مقصد شغلی اتفاقی است یا غیراتفاقی؟ برای این منظور از آزمون خی دو استفاده می‌شود. هر چه نسبت تحرک از یک بیشتر باشد به معنی افزایش نسبت یا احتمال بیشتر برای وارد شدن به آن خانه از گروه شغلی مقصد است. میزان کمتر از یک به معنی احتمال ضعیف برای ورود به یک خانه از گروه شغلی مورد نظر است. جدول شماره (۴)، نسبت تحرک را با فرض عدم وابستگی برای تحرک بین نسلی در شهر همدان نشان می‌دهد. ورود فرزندان نیمه‌حرفه‌ای‌ها و کارکنان بخش تولید و کارکنان بخش خدمات به مشاغل حرفه‌ای غیراتفاقی و معنی‌دار است، اما ورود فرزندان

كارمندان ادارى به مشاغل حرفه‌اى اتفائى است. اين نشان مى‌دهد مشاغل حرفه‌اى، گروهى بازتر مى‌باشد چراكه امكان ورود به آن‌ها وجود دارد و مقصد گروه‌هاى عمده شغلى ديگر است. دليل اين امر از طرفى به اهميت ارزش تحصيلات دانشگاهى و از طرفى به منزلت اجتماعى بالاي حرفه‌اى‌ها در جامعه شهرى ايران بر مى‌گردد.

فرايند شهرنشيني و صنعتى شدن كه در طول چند دهه اخير در ايران در حال گسترش مى‌باشد، در گرايش به مشاغل حرفه‌اى و مرجع شدن آن‌ها دخيلى بوده است. نكته ديگرى كه درباره فرزندان حرفه‌اى‌ها مطرح است گرايش آن‌ها به مشاغل ادارى و دفتري است و همبستگى معنى‌دارى بين آن‌ها وجود دارد ($m_{12} = 3$).¹ نكته ديگر عدم تمايل حرفه‌اى‌ها به مشاغل

جدول شماره ۵. تحرك طبقاتى از طبقه پدر به طبقه فرزند (درصد برون‌ريز و درون‌ريز)

جمع درصدهاى بالايى	غيرمالك				مالك			طبقه فرزند / طبقه پدر
	۵-۲	۵-۱	۴	۳	۲	۱-۲	۱-۱	
۱۰۰	۰/۰	۲۰	۳۰	۱۰	۳۰	۰/۰	۱۰	۱-۱. سرمايهداران
	۰/۰	۱/۹	۳/۵	۱۰	۲	۰/۰	۱۴/۳	
۱۰۰	۰/۰	۲۵	۱۲/۵	۰/۰	۳۷/۵	۶/۳	۱۸/۸	۱-۲. مالكان
	۰/۰	۳/۹	۲/۳	۰/۰	۴/۱	۱۰۰	۴۲/۹	
۱۰۰	۰/۸	۹/۹	۲۷/۳	۵	۵۵/۴	۰/۰	۱/۷	۲. كسيه
	۹/۱	۱۱/۷	۳۸/۴	۶۰	۴۵/۶	۰/۰	۲۸/۶	
۱۰۰	۰/۰	۰/۰	۶۶/۷	۳۳/۳	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۳. مديران
	۰/۰	۰/۰	۲/۳	۱۰	۵	۰/۰	۰/۰	
۱۰۰	۳/۶	۱۴/۳	۵۰	۰/۰	۳۲/۱	۰/۰	۰/۰	۴. كارمندان
	۹/۱	۳/۹	۱۶/۳	۰/۰	۶/۱	۰/۰	۰/۰	
	۳/۴	۴۵/۸	۲۰/۳	۱/۷	۲۷/۱	۰/۰	۱/۷	۵-۱
	۱۸/۲	۲۶/۲	۱۴/۰	۱۰	۱۰/۹	۰/۰	۱۴/۳	كارگران صنعتى و...
۱۰۰	۵/۵	۴۲/۲	۱۵/۶	۰/۸	۳۵/۹	۰/۰	۰/۰	۵-۲
	۶۳/۶	۵۲/۴	۲۳/۳	۱۰	۳۱/۳	۰/۰	۰/۰	كارگران كشاورزى و...
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع درصدهاى پايين
۱۰۰	۳/۰	۲۸/۲	۲۳/۶	۲/۷	۴۰/۳	۰/۳	۱/۹	

۱. انديس‌هاى نسبت‌ها به ترتيب بر حسب سطر و ستون جدول شماره (۴) آمده است.

خدماتی و بازرگانی است ($m_{16} = 0$). توارث شغلی بین پدران و فرزندان در مشاغل نیمه‌حرفه‌ای معنی‌دار است ($m_{33} = 7/2$). امکان تحرک اجتماعی فرزندان شاغلین در بخش کشاورزی به مشاغل حرفه‌ای و مدیریتی و نیمه‌حرفه‌ای احتمال ضعیفی است ($m_{73} = 0/7$, $m_{72} = 0/3$, $m_{71} = 0/2$) معنی‌دار می‌باشد ($1/9 = 1/9$). ورود فرزندان کارگران ساده و بخش غیررسمی به مشاغل مدیریتی اتفاقی است ($m_{82} = 1/1$).

در این جا قبل از تجزیه و تحلیل جدول شماره (۵) به معرفی طبقات پنج‌گانه می‌پردازیم: طبقه سرمایه‌دار صاحبان سرمایه هستند که در شهر به سرمایه‌گذاری‌های مختلف صنعتی، تجاری، خدماتی پرداخته‌اند؛ یا کسانی که اجاره‌دار هستند و از طریق بهره سرمایه خود زندگی می‌گذرانند و همچنین بیش از چهار نفر کارگر دارند؛ یا مالکان، کشاورزان و سرمایه‌گذاران واحدهای صنعتی-کشاورزی نظیر کشت و صنعت، که بیش از چهار نفر کارگر دارند. مالکان قشری از طبقه سرمایه‌داران محسوب می‌شوند.

طبقه دوم کسبه می‌باشند که شامل مغازه‌داران، حرفه‌ای‌های مستقل و صاحبان حرف می‌باشند و طبقه فاقد قدرت سازمانی است، یعنی اگر کارگر داشته باشند زیر ۴ نفر است اما دارای مالکیت می‌باشند.

طبقه سوم مدیران می‌باشند که در مؤسسه خود بر کار دیگران نظارت و اعمال قدرت می‌کنند. این گروه علاوه بر عنوان شغل مدیری می‌بایست بیش از چهار نفر تحت امر داشته باشند، این طبقه فاقد مالکیت است.

طبقه چهارم کارمندان، فاقد مالکیت و فاقد قدرت هستند و طبق قرارداد رسمی در بخش خصوصی یا دولتی مشغول کارند. این گروه صاحب تخصص و مهارت هستند و شانس تصدی مشاغل مدیریتی را دارا می‌باشند.

طبقه پنجم کارگران، اعضای این طبقه همچون کارمندان فاقد مالکیت و قدرت سازمانی می‌باشند و به دلیل مهارت‌هایی که دارا می‌باشند در بخش‌های کشاورزی، صنعت و... مشغول فعالیت می‌باشند. ویژگی عمده این گروه اشتغال در فعالیت‌های یدی است. برخی ثبات شغلی دارند و برخی در بخش غیررسمی هستند و فاقد ثبات شغلی هستند. در جدول شماره (۵) دو گونه درصدگیری شده است، درصدهای بالایی درصدهای برون‌ریز هستند و درصدهای پایینی درصدهای درون‌ریز می‌باشند.

در این جدول، درصدهای برون‌ریز هم منعکس شده است. فرزندان سرمایه‌داران دارای ده درصد توارث طبقاتی بوده‌اند و ۳۰ درصد وارد طبقه کسبه و ۳۰ درصد وارد طبقه کارمندان

شده‌اند و ۲۰ درصد وارد طبقه کارگران صنعتى شده‌اند. بنابراین تحرك نزولى در اين طبقه بالاست. البته بخش عمده‌اى از فرزندان سرمايه‌داران با ورود به دانشگاه‌هاى داخل و خارج کشور وارد گروه شغلى حرفه‌اى‌ها مى‌گردند. اما به دليل زنده بودن پدر، سرمايه در دست پدر است و به فرزند منتقل نمى‌شود. البته قانون ارث اسلامى ثروت را بين فرزندان تقسيم مى‌کند. بنابراین قانون ارث نيز در تحرك نزولى فرزندان سرمايه‌داران تأثير دارد. ۱۸/۸ درصد از مالکان وارد طبقه سرمايه‌داران تجارى و صنعتى شده‌اند. احتمالاً اين تحرك صعودى تحت تأثير اصلاحات ارضى دهه چهل در ايران مى‌باشد که مالکان ارضى وارد طبقه سرمايه‌داران تجارى و صنعتى شدند، ۳۷/۵ درصد از مالکان وارد طبقه کسبه و صاحبان حرف شده‌اند. از نظر توارث طبقاتى، طبقه کسبه با بالاترين ميزان ۵۵/۴ درصد و بعد از آن کارمندان، کارگران صنعتى، مديران و مالکان به ترتيب ۵۰، ۴۵/۸، ۳۳/۳ و ۶/۳ درصد داراى توارث طبقاتى بوده‌اند. طبقه مديران ۶۶/۷ درصد وارد طبقه کارمندان شده‌اند.

۳۲ درصد کارمندان وارد طبقه کسبه شده‌اند. معمولاً ورود به طبقه صاحبان حرف از تمايلات همه طبقات اجتماعى در شهر همدان است. کمترین وراثت طبقاتى مربوط به کارگران کشاورزى و مالکان (۵/۵ و ۶/۳ درصد) مى‌باشد. افزايش فعاليت‌هاى ادارى و خدماتى و کاهش فعاليت‌هاى کشاورزى در افزايش وراثت طبقاتى کسبه و کارمندان و کاهش وراثت طبقاتى کشاورزان دخالت دارند. در شهر همدان ۹۴/۵ درصد افرادى که منشأ کشاورزى داشتند داراى تحرك طبقاتى صعودى شده‌اند که از اين درصد ۳۵/۹ درصد وارد طبقه کسبه، ۱۵/۶ درصد وارد طبقه کارمندان و ۴۲/۵ درصد وارد طبقه کارگر صنعتى و خدماتى شده‌اند. البته افرادى که منشأ طبقاتى کارگر خدماتى و صنعتى داشتند تحرك صعودى طبقاتى کمترى نسبت به طبقه کشاورز داشته‌اند. چنان‌که قبلاً اشاره شد، درصدهاى پايين جدول شماره (۵) درصدهاى درون‌ريز مى‌باشد. اين درصدها به ما مى‌گويد که اعضاى فعلى هر طبقه از چه طبقاتى وارد شده‌اند. اگر به ستون اول جدول توجه کنيم ملاحظه مى‌شود سهم فرزندان طبقات ديگر در تشکيل طبقه سرمايه‌داران چقدر است. چنان‌که در جدول مشاهده مى‌شود، سهم هر طبقه از بالا به پايين کاهش مى‌يابد. البته به جز خود سرمايه‌داران، مالکان ۴۲/۹ درصد، صاحبان ۲۸/۶ درصد، کارگران صنعتى ۱۴/۳ درصد، بنابراین سهم سرمايه‌داران، مالکان و کسبه که هر سه از مالکان مى‌باشند بر روى هم ۸۶ درصد اعضاى طبقه سرمايه‌دار را تشکيل مى‌دهند. اعضاى طبقه مالکان ۱۰۰ درصد از خودشان تأمين شده است و ساير طبقات تمايلى به وارد شدن در اين طبقه را نداشته‌اند. تغيير جامعه شهرى از سنتى به مدرن چنين فرايندى را طبيعى مى‌نمايد. خاستگاه اعضاى طبقه کاسبان نشان مى‌دهد که اعضاى اين طبقه در درجه اول از خود کاسبان

است (۴۵/۶ درصد) از کشاورزان کم درآمد نیز ۳/۳۱ درصد وارد طبقه کسبه شده‌اند. بنابراین ۸۳ درصد اعضای طبقه کسبه از مالکان، سرمایه‌داران، کسبه، صاحبان حرف و مالکان جزء کشاورزی تشکیل می‌شوند. تنها ۱۷ درصد از کارمندان و کارگران وارد این طبقه شده‌اند. بنابراین در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که طبقات دارای سرمایه و ملک طبقاتی تقریباً مسدود هستند، زیرا هر کدام از آن‌ها بیش از ۸۰ درصد نیروی خود را از درون خود تأمین می‌کنند. به جز طبقات صاحب سرمایه، کارگران صنعتی و خدماتی و کشاورزی از طبقاتی هستند که خودشان تأمین‌کننده اعضای خود هستند (البته به صورت مشترک)، چون ۷۹ درصد کارگران صنعتی و خدماتی از طبقات کارگران صنعتی و کشاورزی تأمین شده‌اند. طبقه کارگران کشاورزی و کشاورزان کم درآمد نیز به دلیل عدم جاذبه شغلی و دور بودن از صحنه اجتماعی ناچار هستند که اعضای خود را از طبقه خود تأمین کنند. بدین صورت، می‌توان در مقابل طبقه مسدود سرمایه‌داری (کلاً مالکان) قائل به طبقه‌ای بود که لزوماً مسدود نیست اما میزان تحرک شغلی از دیگر طبقات به آن محدود و اندک می‌باشد. لذا، آن را طبقه متروک می‌نامیم.

نسبت‌های تحرک طبقاتی

جدول شماره ۶. تحرک از طبقه پدر به طبقه فرزند (نسبت‌های تحرک)

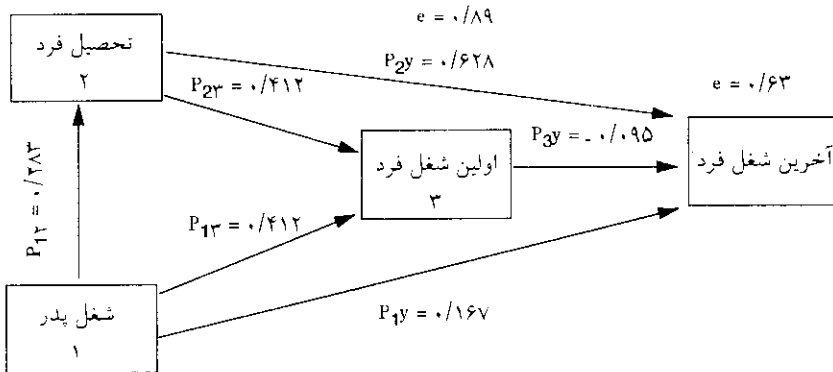
طبقه فرزند	۱-۱	۱-۲	۲	۳	۴	۵-۱	۵-۲
طبقه پدر	۵/۲	۰/۰	۰/۷	۳/۷	۱/۳	۰/۷	۰/۰
۱-۱. سرمایه‌داران	۵/۲	۰/۰	۰/۷	۳/۷	۱/۳	۰/۷	۰/۰
۱-۲. مالکان	۹/۹	۲/۱	۰/۹	۰/۰	۰/۵	۰/۹	۰/۰
۲. کسبه	۰/۹	۰/۰	۶/۴	۱/۹	۱/۲	۰/۴	۰/۳
۳. مدیران	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۱۲/۳	۲/۸	۰/۰	۰/۰
۴. کارمندان	۰/۰	۰/۰	۰/۸	۰/۶	۲/۱	۰/۵	۱/۲
۵-۱. کارگر صنعت	۰/۹	۰/۰	۰/۷	۰/۳	۰/۹	۱/۶	۱/۱
۵-۲. کارگر کشاورز	۰/۰	۰/۰	۰/۹	۰/۰	۰/۷	۱/۵	۱/۸

برای بیان واضح‌تر تحرک طبقاتی، نسبت‌های تحرک طبقاتی در جدول شماره (۶) ارائه شده است. ارقام روی قطر جدول وراثت طبقاتی را نشان می‌دهد که همه این ارقام بالاتر از یک می‌باشند و نشان می‌دهد وراثت طبقاتی از پدر به فرزند در همه طبقات از روی تضاد نیست، بلکه بین خاستگاه طبقاتی و مقصد طبقاتی رابطه معنی‌داری وجود دارد. وراثت طبقاتی برای مالکان بیشتر ($m_{۱۲۱۲} = ۲۱$) و برای کارگران خدماتی و صنعتی کمترین نسبت ($m_{۵۱۵۱} = ۱/۶$)

مى باشد. ارقام روى قطر جدول نشان مى دهد تحرك از طبقه سرمايه داران به سرمايه داران نسبتاً بالا است ($m_{1111} = 5/2$). با مقايسه طبقه سرمايه داران و مالكان ملاحظه مى شود كه احتمال ورود فرزندان سرمايه داران به طبقه مالكان خيلى ضعيف و صفر است ($m_{1112} = 0$). اما ورود فرزندان مالكان به طبقه سرمايه داران احتمالاً قوى است و نسبت آن ($m_{1211} = 9/9$) مى باشد. مالكان در شكل گيرى طبقه سرمايه دار نقش اساسى بازي كردند. اما از ساير طبقات به طبقه سرمايه داران وارد نشده اند. بنا بر اين طبقه سرمايه دار طبقه اي مسدود بوده و فقط در اختيار خودشان و مالكان قرار دارد. نکته ديگر شانس ورود به طبقه مديران مى باشد كه طبقه مديران، سرمايه داران، كسبه به ترتيب داراي نسبت هاي ($m_{133} = 12/3$ و $m_{113} = 3/7$ و $m_{13} = 1/9$) مى باشد. از طرفى ورود به طبقه كارمندان از طبقات سرمايه داران، كسبه، مديران، كارمندان با نسبت هاي ($m_{114} = 1/3$ ، $m_{24} = 1/2$ ، $m_{34} = 2/8$ و $m_{44} = 2/1$) مى باشد. در بين كارگران خدماتى و صنعتى با كارگران كشاورزى نوعى وراثت طبقاتى وجود دارد. يعنى نيروى انساني همديگر را تأمين مى كنند و لذا رابطه معنى داري با ساير طبقات ندارند. اگر خانه هاي روى قطر جدول را ملاحظه نماييم نوعى انسداد بين سرمايه دار و كارگر ملاحظه مى شود و همين عدم داد و ستد نيروى انساني و عدم وجود تحرك اجتماعى گويايى شكل گيرى ساختار طبقاتى سرمايه دار و كارگر است.

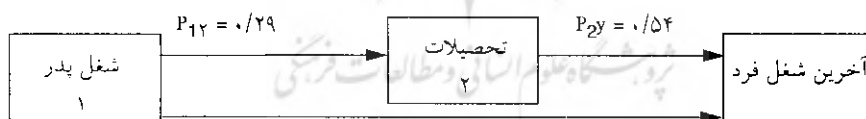
عوامل مؤثر بر تحرك شغلى

در اين قسمت مجموعه اي از متغيرها از طريق تحليل رگرسيونى و تحليل مسير تأثيرشان بر منزلت شغلى مورد بررسى قرار مى گيرد.



نمودار شماره ۱. نمودار مسير با ضرايب مسير (براي كسانى كه تحرك درون نسلى داشته اند)

همان‌طور که شاهدیم، قوی‌ترین رابطه مربوط به تحصیل فرد می‌باشد (بتا ۰/۶۳) و ضعیف‌ترین رابطه مربوط به شغل اول فرد (۰/۰۹۵-) و البته منفی. به عبارت دیگر، نمودار مسیر نشان می‌دهد کسانی که دچار تحرک درون نسلی شده‌اند، در عین حال همراه تحرک صعودی بوده‌اند. از طرفی تأثیر شغل پدر (۰/۱۵) می‌باشد. معمولاً شغل پدر نشان‌دهنده وضعیت خانوادگی افراد می‌باشد. اثر شغل پدر بر شغل اول و دوم فرزند بیشتر از طریق تحصیلات فرزند است. مثلاً، تأثیر شغل پدر بر تحصیلات فرزند چهار برابر تأثیر شغل پدر بر شغل فرزند است. باقیمانده‌ها نشان می‌دهد غیر از متغیرهایی که در مدل وارد شده‌اند متغیرهای دیگری نیز بر متغیر تابع تأثیرگذارند، در این جا با کنترل عوامل دیگر با اطمینان می‌توان عنوان کرد که به ازای هر واحد افزایش در میزان تحصیل ۰/۵۶ واحد در منزلت شغلی تغییر حاصل می‌شود، حال مدل را فقط در مورد کسانی اعمال می‌کنیم که از تحرک بین‌نسلی برخوردار بوده‌اند. در نمودار شماره ۲، تحصیل فرد همچنان تأثیر بالایی بر منزلت شغلی فرد دارد (بتا ۰/۵۴). همچنان‌که در تحرک درون نسلی بیان شد، تحصیلات تأثیرات زیادی بر تحرک بین‌نسلی نیز دارد. به عبارت دیگر، تأثیر تحصیلات فرد بر شغل وی بیش از سه برابر تأثیر شغل پدر بر شغل فرزند می‌باشد. از طرفی تأثیر شغل پدر بیشتر از طریق تحصیل فرزند می‌باشد.



نمودار شماره ۲. نمودار مسیر با ضرایب مسیر با حذف متغیر منزلت اولین شغل فرد

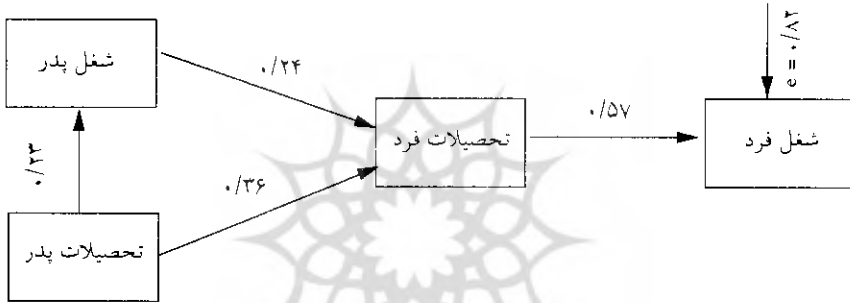
نکته قابل توجه درباره تأثیر تحصیلات پدر و مادر بر تحرک شغلی افراد، در تحرک درون نسلی و بین نسلی در ارتباط با سطح تحصیلات پایین والدین مشاهده شد. چنان‌که متوسط تحصیلات پدران برابر $\bar{X} = ۱/۸$ و تحصیلات مادران برابر $\bar{X} = ۰/۶۴$ می‌باشد. سطح تحصیلات فرزندان برابر $\bar{X} = ۷/۱۶$ می‌باشد. در عین حال تأثیر شغل پدر بر شغل فرد بیشتر است (بتا ۰/۲۹).

جنسیت و تحرک اجتماعی

در اغلب جامعه‌ها و حتی در جامعه صنعتی، مردان و زنان به گونه‌های مختلف تربیت می‌شوند. در دهه قبل، تنها حقوق‌بگیر خانواده پدر بود و همه مسئولیت‌های خانواده را به دوش می‌کشید، زنان بنا بر سنت تشویق نمی‌شدند که به تحصیلات دانشگاهی بپردازند، یا در شغل

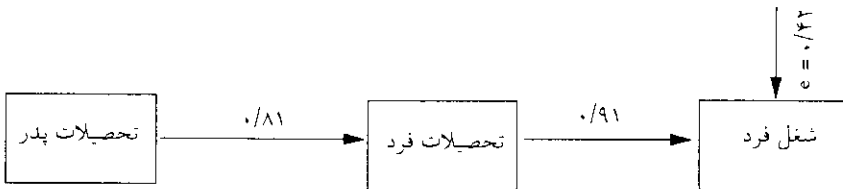
حساسى به كار اشتغال ورزند، اما زنان به تدريج مسئوليت‌هاى تازه‌اى را بر عهده گرفته‌اند و همراه با اين مسئوليت‌ها، علاقهٔ شديد به دنبال كردن پيشه‌هاىي كه قبلاً اشتغال به آن‌ها براى زنان ناممكن بود به وجود آمد. اين وضعيت، هر چند با تاخيرهاىي، در كشورهاي مختلف از جمله ايران در حال وقوع است. در اين قسمت مدل‌هاى علّى برحسب جنسيت آورده مى‌شود:

الف: مردانى كه داراى تحرك درونى نسلى هستند.



نمودار شمارهٔ ۳. تأثير تحصيلات و شغل پدر بر تحصيلات و شغل فرزندانِ ذكور

در نمودار شمارهٔ (۳) نيز تأثير تحصيلات مشخص است. ملاحظه مى‌شود ميزان تأثير تحصيلات پدر بر تحصيلات فرزند بيشتر از تأثير شغل پدر مى‌باشد. پايگاه بالاي پدر در خانواده و تأثيرى كه بر سازمان خانواده مى‌گذارد مؤيد اين مطلب است. از طرفى تحصيلات پدر علاوه بر تحصيلات فرزند بر شغل پدر نيز تأثيرگذار است (بتا ۰/۲۳). تأثير تحصيلات پدر بيش از ۱/۵ برابر شغل وي بر تحصيل فرزند تأثير دارد. چون تعداد زنانى كه تحرك درون نسلى دارند محدود مى‌باشد. بنا بر اين در اين پژوهش سطح تحليل به زنانى كه تحرك بين نسلى دارند محدود شد. ب. زنانى كه داراى تحرك بين نسلى بوده‌اند.



نمودار شمارهٔ ۴. تأثير تحصيلات پدر بر منزلت شغلى فرزندانِ مؤنث

مطالعه نمودار شماره (۴) نشان‌دهنده این مطلب است که تحصیلات فرد بر منزلت شغلی تأثیر زیادی دارد. چنان‌که مقایسه ضرایب مسیر مردان و زنان به دست می‌آید، تحصیلات در میان زنان تأثیر بیشتری بر منزلت شغلی دارد تا مردان (بتا ۰/۹)، لذا تحصیلات زنان و تحصیلات پدر تأثیر مهمی بر منزلت شغلی فرد دارد، اما تحصیلات خود زنان فرصت‌های بیشتری را فراهم می‌نماید. با وجود این، سطح تحصیلات زنان به میزان بالایی به تحصیلات پدر بستگی دارد ضرایب مسیر نمودار شماره (۴) نشان‌دهنده این مطلب نیز هست که زنان در رقابت با مردان برای ورود به بازار کار به نقش‌های اکتسابی بیشتر تکیه دارند. نتیجه این‌که به طور متوسط ۳۹ درصد از منزلت شغلی مردان با تحصیل آن‌ها و حدود ۲۹ درصد دیگر آن توسط اولین شغل فرد توضیح داده می‌شود. و ۳۲ درصد بقیه به عوامل متعددی نظیر تحصیلات پدر و مادر و سایر عوامل اقتصادی و اجتماعی فرد برمی‌گردد. اما درباره زنان رابطه بین تحصیلات فرد و منزلت شغلی در حدود ۸۹ درصد می‌باشد. و دومین عامل تحصیلات و شغل پدر می‌باشد.

نتیجه‌گیری

رشد شتابان شهرنشینی در ایران که خود ناشی از سرعت بالای رشد جمعیت و مهاجرت می‌باشد، ضرورت مطالعات دقیق‌تری را در حوزه‌های مختلف جامعه‌شناسی ایجاد می‌کند. یکی از ابعاد این مطالعات بحث نابرابری‌های اجتماعی است، که برای شناخت آن بحث تحرک اجتماعی می‌تواند زوایای نابرابری‌ها را نشان دهد. مطالعات تحرک اجتماعی در عین حال که میزان عدالت اجتماعی و کارآیی نظام اجتماعی را نشان می‌دهد، از طرفی با مطالعات کمی دانش تجربی ما را متراکم کرده و با افزایش چنین تحقیقاتی شناخت ما را از جامعه شهری افزایش می‌دهد. نتایج چنین بررسی‌هایی در برنامه‌ریزی‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی حائز اهمیت است.

در تحقیق حاضر برای چارچوب نظری دو دیدگاه مورد استفاده قرار گرفت: اول، دیدگاه‌های تأکیدکننده بر پایگاه اجتماعی که وجه توزیعی نابرابری‌ها را مطرح نظر دارد، و برای سنجش آن از پایگاه شغلی استفاده شد، که گروه‌بندی هشت‌گانه مرکز آمار ایران از مشاغل مبنای کار قرار گرفت. از طرفی بر اساس مقیاس منزلت مشاغل ابعاد ذهنی و عینی ارزش‌گذاری‌ها مورد مقایسه قرار می‌گیرد.

دوم، دیدگاه‌های تأکیدکننده بر طبقه اجتماعی که وجه رابطه‌ای نابرابری‌ها را مورد توجه قرار می‌دهد، و برای سنجش آن طبقه اجتماعی مورد استفاده قرار گرفت، که جامعه مورد مطالعه به

پنج طبقه سرمايه‌داران، كسبه و صاحبان حرف، مديران، كارمندان و كارگران تقسيم‌بندى شدند. گرچه عضويت در طبقات از نظر حقوقى به روى همگان باز است، اما در عمل نيمه‌بسته‌اند. مطالعه‌اى نشان مى‌دهد كه در جامعه شهرى ميزان فرصت براى تحرك طبقاتى كمتر و محدودتر است. بنا بر اين طبقات اجتماعى به صورت ساخت‌يافتگى بيشتر پيش مى‌روند. برخى از كسانى كه درباره وضعيت طبقاتى در خاورميانه پژوهش كرده‌اند به عواملى نظير: نفوذ سياسى، مهارت شخصى، تبار دينى و مقدس و... در شكل‌گيرى طبقات اجتماعى اشاره داشته‌اند (بيل، ۱۳۷۳: ۱۰۱). همچنين، عواملى نظير امكان گرفتن وام با كارمزدهاى پايين، دسترسى به اطلاعات، بهره‌ورى، تجمع سرمايه بيشتر براى سرمايه‌گذارى در تحرك طبقاتى مؤثرند. هر چند نفوذ سياسى و قدرت مالى براى رسيدن به طبقات بالا مؤثر است، ليكن یافته‌هاى تحقيق حاضر نشان مى‌دهد كه تحرك نزولى در بين طبقات بالا نيز عموميت دارد. و عواملى نظير شيوه ارث‌برى اسلامى و عدم ثبات اقتصادى در اين امر دخيل است.

سطح تحصيلات از عوامل مؤثر در تحرك شغلى است. كارکرد اوليه تحصيلات رسمى در تحرك اجتماعى اين است كه مهارت‌هاى لازم را براى ورود فرد به بازار كار فراهم مى‌كند. تكميل تحصيلات به‌طور مناسب فرد را در رقابت با ديگران براى دست يافتن به يك شغل خاص در يك موقعيت ممتاز قرار مى‌دهد. به‌علاوه افرادى براى احراز سطوح مديريت انتخاب مى‌شوند كه داراى تحصيلات عالى باشند. تأثير تحصيل بر تحرك اجتماعى زنان بيشتر است، چون زنان به‌ناچار در رقابت با مردان در بازار كار بايد از تحصيلات بالاترى برخوردار باشند. علاوه بر تحصيلات، نوآورى‌هاى تكنولوژيكي نيز فرصت‌هاى جديدي در اختيار زنان قرار داده است، اين نوآورى‌ها شامل اختراع بسيارى از دستگاه‌هاى خانگى مى‌باشد كه زنان را از صرف وقت و انرژى زياده از حد در خانه معاف مى‌كند. يخچال‌ها، ماشين‌هاى لباسشويى و ديگر لوازم خانگى و به بازار آمدن خوراكي‌هاى سالمى كه مى‌تواند جانشين شير ماسدر گردد و همچنين كشف روش‌هاى مؤثر براى تنظيم مواليد، مهم‌ترين نوآورى‌هاى بوده‌اند كه سرانجام زنان جوامع را از قيد محدوديت‌هاى تاريخى آزاد ساختند و به آنها اجازه دادند براى نخستين بار به عرصه‌هاى ديگرى از فعاليت‌هاى اجتماعى گام نهند (لنسكى، ۱۳۶۹: ۴۵۶).

نتايج تحقيق نشان مى‌دهد كه بين سن و تحرك شغلى همبستگى وجود دارد، البته لازم به يادآورى است تحرك اجتماعى تا سنين ۴۵ سالگى عموميت دارد و پس از آن ثبات پيدا مى‌كند. عواملى نظير تحصيلات و شغل پدر تأثير معنى‌دارى بر تحرك شغلى دارند، اما تحصيلات و شغل مادر تأثير معنى‌دارى بر تحرك شغلى ندارند. تأثير شغل پدر نيز خيلى قوى نيست، و اين به دليل عموميت تحرك اجتماعى و تأثير عوامل ساختارى در تحرك اجتماعى است.

یافته‌ها، نشان می‌دهد کل تحرک شغلی بین نسلی برابر ۷۲ درصد می‌باشد، که ۵۱ درصد تحرک صعودی و ۲۱ درصد تحرک نزولی داشته‌اند. همچنین از کل تحرک شغلی، ۳۶ درصد نتیجه عوامل ساختاری می‌باشد.

پیشنهادات

برای گسترش مطالعات مربوط به تحرک اجتماعی یکی از مشکلات به مفهوم‌سازی و طرح‌های طبقه‌بندی برمی‌گردد. بعضی از محققان برخی مفاهیم متفاوت را به جای هم به کار می‌برند، مثلاً مفهوم طبقه اجتماعی و پایگاه اجتماعی. بنابراین برای این‌که نتایج تحقیقات را بتوان با هم مقایسه کرد و به تعمیم‌های نظری رسید و روندهای اجتماعی را در حوزه قشربندی و تحرک اجتماعی کشف نمود، پیشنهاد می‌شود از مفهوم‌سازی‌های جدید پرهیز شود. به همین دلیل در تحقیق حاضر برای پایگاه شغلی و گروه‌بندی شغلی بر اساس الگوهای مرکز آمار ایران که مشاغل را در هشت گروه شغلی قرار می‌دهد استفاده شده است. الگوی طبقات اجتماعی که در پنج گروه با قشرهای داخلی آن تقسیم‌بندی شده است، ملهم از کارهای آقای مقدس است که می‌تواند الگوی کارهای بعدی قرار گیرد. (۱۳۷۴: ۷۰).

مرکز آمار ایران در سرشماری عمومی نفوس و مسکن که هر ده سال یک بار انجام می‌دهد، اطلاعاتی درباره شغل و موقعیت در شغل از جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر جمع‌آوری می‌کند. به نظر می‌رسد اگر برخی اطلاعات مربوط به تحرک اجتماعی (مثلاً، شغل پدر سرپرست خانوار) را نیز گردآوری کند منبع بسیار خوبی برای تجزیه و تحلیل و کشف روندهای تحرک اجتماعی در نقاط شهری و روستایی کشور خواهد بود.

منابع

- اشرف، احمد و علی بنو عزیزی (۱۳۷۴) «طبقات اجتماعی در دوره پهلوی»، مجله راهبرد، شماره ۶.
- برزین، سعید (۱۳۷۲) «ساختار طبقاتی و جمعیتی در ایران»، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال هشتم، شماره ۸۱-۸۲.
- بیرو، آلن (۱۳۶۶) فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان.
- بیل، جیمز (۱۳۷۳) «تحلیل طبقاتی و دیالکتیک‌های نوسازی در خاورمیانه»، ترجمه عماد افروغ، مجله راهبرد، شماره ۴.
- تامین، ملوین (۱۳۷۳) جامعه‌شناسی قشربندی و نابرابری اجتماعی، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: انتشارات توتیا.
- تبریزی، علی (۱۳۶۰) «دو یادداشت درباره تحول جمعیت و تحرک اجتماعی»، کتاب آگاہ، تهران: انتشارات آگاہ.

خدابنده‌لو، سعيد (۱۳۷۲) *جامعه‌شناسى قشرها و نابرابرى‌هاى اجتماعى*. مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد. جهاد دانشگاهى.

دواس. دى. ايبى (۱۳۷۶) *پيمائش در تحقيقات اجتماعى*. ترجمه هوشنگ نايبى، تهران: نشر نى. شركت آمار پردازان (۱۳۷۷) *راهنماى كاربران SPSS6 در محيط ويندوز*. تهران: مركز فرهنگى انتشاراتى حامى.

كاظمى پور، شهلا (۱۳۷۴) «تحرك اجتماعى و مهاجرت در شهر تهران»، پايان‌نامه، دانشكده علوم اجتماعى، دانشگاه تهران.

كرلينجر، فرد و پدهاوزر، (۱۳۶۶) *رگرسيون چند متغيرى در پژوهش رفتارى*، جلد اول، ترجمه حسن سرايى، تهران: نشر دانشگاهى.

كاظمى پور، شهلا (۱۳۷۸) «الگوى در تعيين پايگاه اجتماعى - اقتصادى افراد و سنجش تحرك اجتماعى با تكيه بر مطالعه موردى در شهر تهران»، *نامه علوم اجتماعى*، شماره ۱۴، پاييز و زمستان.

كاتوزيان، محمدعلى (۱۳۶۸) *اقتصاد سياسى ايران*. ترجمه محمدرضا نفيسى، تهران: انتشارات پايروس. كلانترى، صمد (۱۳۷۵) *مبانى جمعيت‌شناسى*، اصفهان: انتشارات مانى.

گرب، ادوارد بى (۱۳۷۳) *نابرابرى اجتماعى: ديدگاه‌هاى نظريه پردازان كلاسيك و معاصر*، مترجمان، محمد سياهپوش و احمدرضا غروى زاده، تهران: نشر معاصر.

گورويچ، ژرژ (۱۳۷۵) *مطالعاتى درباره طبقات اجتماعى*، ترجمه باقر پرهام، تهران: شركت سهامى كتاب‌هاى جيبى.

لنسىكى، گرهارد و جين (۱۳۶۲) *سير جوامع بشرى*، ترجمه ناصر موفقيان، تهران: انتشارات آموزش و انقلاب اسلامى.

لهسايبى زاده، عبدالعلى (۱۳۸۰) «نابرابرى‌ها و قشربندى اجتماعى در ايران»، *مجله علوم اجتماعى و انسانى* دانشگاه شيراز.

مور، استفن (۱۳۷۶) *جامعه‌شناسى*، ترجمه مرتضى ثاقب‌فر، تهران: ققنوس. مهدوى، شيرين (۱۳۷۳) «تحرك اجتماعى در ايران در دوره قاجار»، ترجمه افسانه منفرد، *مجله اطلاعات سياسى - اقتصادى*. شماره ۸۵ - ۸۶.

مقدس، على اصغر (۱۳۷۴) «منزلت مشاغل در جامعه شهرى ايران، مورد مطالعه شهر شيراز»، *مجله علوم اجتماعى و انسانى*، دانشگاه شيراز، دوره دهم، شماره دوم.

مقدس، على اصغر (۱۳۷۴) *بررسى تحرك اجتماعى و منزلت شغلى در شهر شيراز و ياسوج*، پايان‌نامه، دانشگاه تربيت مدرس.

مندراس، هانرى (۱۳۶۹) *مبانى جامعه‌شناسى*، ترجمه باقر پرهام، تهران: انتشارات اميركبير. مركز آمار ايران (۱۳۷۶) «نتايج تفصيلى سرشمارى عمومى نفوس و مسكن سال ۱۳۷۵ شهرستان همدان».

Blaum, P. and O. Duncan (1967) *The American Occupational Structure*, New York: John Wiley and Sons Company.

Breen, Richard and Whelan Christopher T. (1996) *Social Mobility and Social Class in Ireland*, Gill and Macmillan Ltd.

- Goldthorpe, J. (1980) *Social Class and Mobility in Modern Britain*, Oxford: Clarendon Press.
- Goodman, L. (1965) "On Statistical Analysis of Mobility Tables, *American Journal of Sociology*, 70: 564-85.
- Kano, H. (1978) "City Development and Occupational Change in Iran: A Case Study of Hamadan *The Developing Economies*, 2: 298-328.
- Payn, G. (1987) *Mobility and Change in Modern Society*. Mcmillan.
- Siegel, (1971) *Prestige in the American Occupational Structure*. Ph. D. Dis, University of Chicago.
- Simon C. P. and Jonathan, R. (2001) Measuring Social Mobility as Underpredictability, *Economia*, 98: 63-76.
- Sorensen, A. (1977) "The Structure of Inequality and the Process of Attainment" *American Sociological Review*, 42: 65-78.
- Sorensen, A. (1991) "On the Usefulness of Class Analysis in Research on Social Mobility", *Acta Sociological*, 34: 71-87.
- Sorokin, P. (1959) *Social and Cultural Mobility*, New York: Free Press.
- Tumin M. (1959) *Social Stratification, The Formes and Function of Inequality*, Prentice Hall of India.
- Wong, R. (1992) "Vertical and Nonvortial Effect in Class Mobility: Cross National Variation" *American Sociological Review*, 57: pp 360-410.

صمد کلاتری عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان است. از او دو کتاب تحت عناوین مبانی جمعیت‌شناسی و روش‌های تحلیل و کاربرد جمعیت‌شناسی منتشر شده است. علایق پژوهشی او مباحث جامعه‌شناسی جمعیت است.

محمد سلیمان قائمی‌زاده دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان و عضو هیئت علمی دانشگاه بوعلی سینای همدان است. علایق پژوهشی او در زمینه جامعه‌شناسی قشریندی و نابرابری‌های اجتماعی است.